



قافیه: واژه هایی که در پایان مصراع آورده می شوند و حرف یا حروف آخرشان مشترک است.

آن پسر با فویش آمد شد **دوان** سوی تفت شاه با صد **امتمان**

قواعد قافیه: حداقل حروف لازم برای قافیه

قاعده 1: واژه هایی که آخرشان «ا» و «و(او)» باشد.

عشق شوری در نهاد ما نهاد جان ما در بوته سودا نهاد
کیست که در کوی تو فتنه روی تو نیست وز پی دیدار تو بر سر کوی تو نیست
تا جهان است از جهان اهل وفایی بر نفاست نیک عهدی بر نیامد، آشنایی بر نفاست

قاعده 2: قافیه از یک مصوت + یک یا دو صامت ساخته می شود

منزع سبز فلک دیدم و داس مه نو یادم از کشته فویش آمد و هنگام درو
هون بیینی روی او در تو فتنه یا مبین آن رو، هو دیدی فوش مفند
چنان دید بر روی دشمن ز فشم که شد ساخته کارش از زهر پشم
به زبان پرب جانا بنواز جان ما را به سلام فشک فوش کن دل ناتوان ما را

اِبَر نکته: به بزم اندرون آسمان سفاست به رزم اندرون تیز چنگ اژدهاست

***قاعده قافیه در کدام بیت متفاوت است؟ (خارج 1401)**

- (1) چار دیوار قفس عشرت سرای ما بس است / شهر بند دام باغ دلگشای ما بس است
- (2) چه پروا از عتاب و ناز عشاق بلاجو را / که عاشق مد احسان می شمارد چین ابرو را
- (3) گفتا برون شدی به تماشای ماه نو / از ماه ابروان منت شرم باد، رو
- (4) همه شب راه دلم بر خم گیسوی تو بود / آه از این راه که باریک تر از موی تو بود



3 گام برای حل همه سوالات قافیه:

1.

2.

3.

1- **ردیف:** کلمه یا کلماتی که بعد از قافیه عینا از نظر لفظ و معنی تکرار می شوند.

پیش از تو آب معنی دریا **شدرن** نداشت شب مانده بود و جرات فردا **شدرن** نداشت

نکته: جناس تام ردیف محسوب نمی شود. (دام طراح)

ای ساقی و دستگیر مستان
دل را ز وفای مست، مستان
گر دو عالم شد همه یکبار نیست
در زمین ریگی همان انگار نیست

* کدام ابیات فاقد ردیف است؟ (سراسری 1400)

- | | |
|---------------------------------------|----------------------------------|
| الف) من قصه خویشتن بدو چون گویم | ترک است و به چوگان بزند چون گویم |
| ب) تنگ شد از غم دل، جای به من | یک دل و این همه غم وای به من |
| ج) مشو تا توانی ز رحمت بری | که رحمت بر نندت چو رحمت بری |
| د) گدایی که بر خاطرش بند نیست | به از پادشاهی که خرسند نیست |
| ه) خوش آن که نگاهش به سرو پای تو باشد | آینه صفت محو تماشای تو باشد |
| 1) ب - ج - د | 2) ب - د - ه |
| 3) الف - ج - د | 4) الف - ج - ه |



2- **حروف الحاقی (تبصره 1):** یک یا چند حرفی که به انتهای واژه های قافیه می چسبند و جزو ریشه اصلی خود واژه نیستند.

ای دریغاکر شبی در بر شرابت دیدمی سرکران از فواب و سرمست از شرابت دیدمی
بسیار سفر بایر تا پخته شود فامی صوفی نشود صافی تا در نکشدر جامی

پراکارد ترین: 1- شناسه ها (م - ی - ک - یم - ید - ند) مثل: نویسد، نوشتند و ...

2- نشانه های جمع (یاران، خط و خال ها) 3- ضمایر متصل (رخ قمرت، کتابم)

4- مخفف صیغه های زمان حال (شادم، عاقلی) 5- مصدر (رفتن، پوشیدن)

نکته: « ی » و « ه » (در صورتی که خوانده شود) همیشه حروف الحاقی محسوب می شوند حتی اگر جزو خود کلمه باشند (خانه، گشته، انداخته - علی، کردی، خالی)

نکته: حروف الحاقی در صورتی که در هر دو واژه قافیه تکرار شوند حذف می شوند (جوان - یاران)

هر که نامهربان بود یارش واجب است احتمال آزارش

* کدام بیت بر اساس قاعده و تبصره 1 « قافیه سروده شده است؟ (سراسری 1400)

- 1) رفتی و نام تو ز زبانم نمی رود و اندیشه تو ز دل و جانم نمی رود
- 2) از پسته تنگ خود آن یار شکر بوسه دوشم به لب شیرین جان داد به هر بوسه
- 3) زهی خورشید را داده رخ تو حسن و زیبایی در لطف تو کس بر من نبندد گر تو بگشایی
- 4) میر من خوش می روی کاندر سر و پا میرمت خوش خرامان شو که پیش قد رعنا میرمت



3 - حروف قافیه: حرف یا حروف مشترکی که در آخر واژه های قافیه می آیند.

بشنو از نی چون ملکیت می کند / از جدایی ها شکایت می کند

1- تبدیل واژه قافیه به بخش های مختلف

2- انتخاب بخش آخر

3- حذف حرف اول بخش آخر

به خاکپای عزیزت که عهد نشکستم / ز من بریدی و با هیپکس نپیوستم

عیب قافیه: به کلمات زیر دقت کنید:

«لذیذ - غلیظ»، «باد - باغ»، «گل - گل» به دلیل اختلاف در شکل نوشتاری، اختلاف در حروف و اختلاف در مصوت کوتاه نمی توانند قافیه شوند و عیب محسوب می شوند.

مرغ بی اندازه چون شد در قفس / گفت حق بر جان فسون خواند و قصص

عزم و حزمش ازل فریب چه صدق / فلق و فلقش ابر شکیب چه عشق

به فرق پمن، ابر گسترده پر / به فرش زمرد فرو ریفت در

* قافیه در کدام بیت غلط است؟ (سراسری 99)

(1) مرا چون خلیل آتشی در دل است / که پنداری این شعله بر من گل است

(2) اجل ناگهان در کمینم کشد / همان به که آن نازنینم کشد

(3) نه خود را به آتش به خود می زنم / که زنجیر شوق است در گردنم

(4) گدایی که از پادشاه خواست دخت / قفا خورد و سودای بیهوده پخت



توجه: اختلاف واژه های قافیه در مصوت کوتاه، در صورتی که به حروف الحاقی بچسبند

عیب محسوب نمی شوند: خنده - زنده ، کند - زند ، علی - دلی

نکته: گاهی حروف قافیه به دو قسمت تقسیم می شوند که درست است:

پراغ روی تو را شمع کشت پروانه مرا ز فال تو با فال خویش پروا، نه

حرف روی: حرف پایانی از حروف اصلی قافیه

زبان لاف رسوا می کند ناقص کمالان را / که رو بر خاک مالد پرفشانی بسته بالان را

*** قافیه در کدام بیت معیوب است؟ (کانون 1402)**

- (1) نیامد در ایام او بر دلی / نگویم که خاری که برگ گلی
- (2) جان شیرین که رنج کش باشد / تن مسکین چگونه خوش باشد
- (3) به دستان خود بند از او بر گرفت / سرش را ببوسید و در بر گرفت
- (4) چنان مست شد او ز دور شراب / که خورشید پنداشت نور شراب

*** در همه ابیات قافیه درست است، بجز: (فاج 98)**

- (1) خویشان را عارف و واله کنی خاک در چشم مروّت می زنی
- (2) ناگهان تمثال گرگ هشته ای سر برآورد از فرار پشته ای
- (3) گفت یک گوشه است آن باغبان هست اینجا گرگ و او را پاسبان
- (4) گر میسر کردن حق ره بدی هر جهود و گبر از او آگه بدی



قافیه درونی: در درون مصراع ها قافیه داریم:

فون همه در مستی خوردی به زیردستی دست همه بر بستی کرد سر دستان
 دیره شیر است مرا جان دیر است مرا زهره شیر است مرا زهره تابنده شرم

ذوقافیتین: شعر دارای دو قافیه پایانی است ولی قافیه اصلی، همان واژه آخر است:

ای شاه زمین بر آسمان داری تفت سست است عرو تا تو کمان داری سفت
 کرا را چو حاصل شود نان شام چنان فوش بفسد که سلطان شام

نکته:

چگونه بر نبرد جان چو از جناب جلال خطاب لطف چو شکر به جان رسد که تعال؟
 دل من چو نور اندر آن تیره شب نخفته گشاده دل و بسته لب
 ای چرخ از آن ستاره رعنا چه خواستی؟ ای باد از آن شکوفه زیبا چه خواستی؟

* کدام بیت ذوقافیتین است؟ (خارج 99)

- 1) کودکی در پیش تابوت پدر زار می نالید و بر می کوفت سر
- 2) حيله آموزان جگرها سوخته فعل ها و مکرها آموخته
- 3) فتنه و آشوب و خون ریزی مجوی بیش از این از شمس تبریزی مگوی
- 4) این سخن نه هم ز درد و سوز گفت خوابناکی هرزه گفت و باز خفت



*** در کدام بیت قافیه درونی بر اساس قاعده 1 و تبصره قافیه سروده شده است؟ (دی 1401)**

- (1) تا عشق و رندی است کیشم یکسان بود نوش و نیشم / من دشمن جان خویشم گر او بود دشمن من
- (2) تا در دلم جا گرفتی در سینه ماوا گرفتی / بوی گل و سوسن آید از چاک پیراهن من
- (3) من کیستم بینوایی با درد غم آشنایی / هر لحظه گردد بلایی چون سایه پیرامون من
- (4) بنشین چون گل در کنارم تا بشکفد گل ز خارم / ای روی تو لاله زارم وی موی تو سوسن من

قافیه در شعر نو:

*** کدام یک از قطعه شعر های زیر فاقد قافیه است؟ (کانون 96)**

- (1) او در این دشت بزرگ / چشم کوچک بینا می بود / کز نهان خانه تاریک زمین / در سحرگاه شبی سرد و سیاه / به جهان چشم گشود
- (2) به دیدارم بیا هرشب ، در این تنهایی تنها و تاریک خدا مانند / دلم تنگ است / بیا ای روشن ، ای روشن تر از لبخند! / شبم را روز کن در زیر سرپوش سیاهی ها
- (3) گردها خوابید / روز رفت و شب فراز آمد / گوهر آجین کبود پیر باز آمد / چون گذشت از شب دو کوتاه پاس.
- (4) بی شک هر مسافر را / این چنین دانسته بودم ، وین چنین دانم / لیک / ای ندانم چون و چند! ای دور! تو بسا کاراسته باشی به آیینی که دلخواهست



*** قافیه کدام بیت نادرست است؟ (سراسری 1402)**

- (1) ای پیک بی خجسته که داری نشان دوست / با ما مگو بجز سخن دلنشان دوست
- (2) آن کس که ازو صبر محال است و سکونم / بگذشت ده انگشت فرو برده به خونم



3) چون من به نفس خویشتن این کار می کنم / بر فعل دیگران به چه انکار می کنم

4) کنی ناخوش به ما بر زندگانی / اگر از ما دمی دوری گزینی

*از میان ابیات زیر به ترتیب کدام بیت ذوقافیتین و قافیه کدام بیت نادرست است؟ (خارج 1402)

الف: چون به دستان زدن گشادی دست / عشق هشیار و عقل گشتی مست

ب: شراب لعل می سازد عرق را روی گلگونش / قدح لبریز می گردد از لب های میگونش

ج: تو را این همه ایدر آراسته است / اگر شهریاری و گر خواسته است

د: از رخس خواهند جای بوسه نافهمیدگان / در حرم محراب می جویند این نادیدگان

1) الف - ب 2) ج - ب 3) الف - د 4) ج - د

*در کدام بیت واژه های قافیه وجه شبه محسوب می شوند؟ (سراسری 1402)

1) چشمی دارم چو لعل شیرین همه آب / بختی دارم چو چشم خسرو همه خواب

2) ز خون رنگین بود چون لاله دامانی که من دارم / بود صد پاره همچون گل گریبانی که من دارم

3) نه به شاخ گل نه بر سرو چمن پیچیده ام / شاخه تاکم به گرد خویشتن پیچیده ام

4) چون شمع نیمه جان به هوای تو سوختیم / با گریه ساختیم و به پای تو سوختیم

*در کدام مورد هر دو واژه قافیه وجه شبه محسوب می شوند؟ (خارج 1402)

1) رهی نغمه آتشین ساز کرد / زبان را چو نی نغمه پرداز کرد

2) غمش در نهان خانه دل نشیند / به نازی که لیلی به محمل نشیند

3) مرا بود و فرو ریخت هرچه دندان بود / نبود دندان لابل چراغ تابان بود

4) روی تو چون نوبهار جلوه گری می کند / زلف تو چون روزگار پرده دری می کند



*** حروف اصلی قافیه در کدام بیت (مصوت + صامت + صامت) است؟ (سراسری 1401)**

- 1) در زلف تو بند بود داد دل ما / در بند کمنند بود داد دل ما
- 2) پرسیدم از هلال که قدت چرا خم است / گفتا خمیدن قدم از بار ماتم است
- 3) بر زلف تو باید که ره شانه ببندند / یا مشک فروشان در کاشانه ببندند
- 4) هان ای دل عبرت بین از دیده عبر کن هان / ایوان مداین را آیینۀ عبرت دان

*** قاعده و تبصره قافیه در کدام ابیات یکسان است؟ (سراسری 1401)**

- | | |
|---------------------------------------|-------------------------------------|
| الف) صبا تو نکعت آن زلف مشکبو داری | به یادگار بمانی که بوی او داری |
| ب) سینه مالامال در است ای دریغا مرهمی | دل ز تنهایی به جان آمد خدا را همدمی |
| ج) دیدم به خواب دوش که ماهی بر آمدی | کز عکس روی او شب هجران سر آمدی |
| د) بیا با ما مورز این کینه داری | که حق صحبت دیرینه داری |
- 1) الف - ج 2) ب - ج 3) ب - د 4) ج - د

*** قاعده و تبصره قافیه در کدام ابیات یکسان است؟ (خارج 1401)**

- | | |
|--|--|
| الف) تا با تو آرمیده ام از خود رمیده ام | منتّ خدای را که چه خوش آرمیده ام |
| ب) از بس عرق شرم نشسته است به رویم | محروم ز نظاره آن روی نکویم |
| ج) بوی رحمان از یمن آمد دل و جان تازه شد | دل چه و جان چه جهان از بوی رحمان تازه شد |
| د) چندان به سر کوی خرابات خرابم | کآسوده ز اندیشه فردای حسابم |
- 1) الف - ج 2) الف - د 3) ب - د 4) ج - د

*** توضیح روبروی کدام بیت، در مورد قافیه درست است؟ (خارج 1400)**

- 1) سپه را تو باش این زمان پیشرو تویی کینه خواه جهاندار نو (قاعده 1)
- 2) ناقه جسم دلی را بنده باش تا شوی با روح صالح خواجه تاش (ذوقافیتین)



(3) دوش از در میخانه کشیدند به دوشم / تا روز جزا مست ز کیفیت دوشم (ش: حرف روی)

(4) خدایا مقصر به کار آمدم / تهی دست و امیدوار آمدم (یم: حرف الحاقی)

***قاعده قافیه در مقابل کدام بیت، «غلط» آمده است؟ (خارج 1400)**

(1) ای برادر بشنوی رمزی ز شعر و شاعری / تا ز ما مشتی گدا کس را به مردم نشمری (قاعده 2)

(2) چون من به ره سخن فراز آیم / خواهم که قصیده ای بیاریم (قاعده 2)

(3) اگر محول حال جهانیان نه قضاست / چرا مجاری احوال بر خلاف رضاست (قاعده 1)

(4) در پای تو تا زلف چلیپای تو افتاد / بس دل که از این سلسله در پای تو افتاد (قاعده 1)

***در کدام بیت شاعر علاوه بر قافیه از «ردیف» نیز بهره برده است؟ (کانون 99)**

(1) هین کژ و راست می روی باز چه خورده ای؟ بگو / مست و خراب می روی خانه به خانه کو به کو

(2) کز نیستان تا مرا بیریده اند / در نفیـرم مرد و زن نالیده اند

(3) امشب سبک تر می زنند این طبل بی هنگام را / یا وقت بیداری غلط بوده است مرغ بام را

(4) گر دو عالم شد همه یکبار نیست / در زمین ریگی همان انگار نیست

***قافیه کدام بیت مطابق قاعده «1» است؟ (کانون 99)**

(1) زبانم به آتش زند دامن / ز تفسیده گلخن دهد گلشنی

(2) به سر تاج شاهی نهم نامه را / لوائی الهی کنم خامه را

(3) رسیدی به هر شیشه دل سنگ او / بهانه نمی خواستی جنگ او

به عرش حقیقت لوائی زنم / نیازآوران را صلائی زنم



*قاعده قافیه کدام بیت متفاوت است؟ (کانون)

- (1) ماهم از خلقیم جان داریم ما / دولت امشب میهمان داریم ما
- (2) موسی آمد در وغا با یک عصاش / زد برآن فرغون بر شمشیر هاش
- (3) وربگویی شکر این رستن بگوی / کز بت باطن همت برهاند اوی
- (4) او نباید پیش هر نا اوستا / همچو طاووسی به خانه روستا

*قافیه در کدام بیت یک گروه قیدی است؟ (سراسری 99)

- (1) ای تاب داده گیسو حالی است بر دل من / از تاب بی حسابت وز پیچ بی شماره
- (2) آشفته‌گان عشقت گیرم که جمع گردد / جمع از کجا توان کرد دل های پاره پاره
- (3) با این سپاه مژگان از خانه گر درآیی / تسخیر می توان کرد شهری به یک اشاره
- (4) از لعل و چشمت آخر دیدی که شد فروغی / ممنون به یک تبسم ، قانع به یک نظاره

*در کدام بیت قاعده قافیه متفاوت است؟ (فاز 99)

- (1) خوش آنکه حلقه های سر زلف واکنی / دیوانگان سلسله ات را رها کنی
- (2) اولین گام ار سمند عقل را پی می کنی / وادی بی منتهای عشق را طی می کنی
- (3) زان فشانم اشک در هر رهگذاری / تا به دامان تو ننشیند غباری
- (4) این چه دامی است که از سنبل مشکین داری / که به هر حلقه آن صد مسکین داری

*قافیه در همه ابیات درست است، بجز: (سراسری 98)

- (1) از همه باشد به حقیقت گزیر / از تو نباشد که نداری نظیر
- (2) ای خنده تو راهزن کاروان قند / ما نیش عشق خورده و لعل تو نوشدند
- (3) گرچه آتش نیز هم جسمانی است / نه ز روح است و نه از روحانی است



4) تو آنچ از تو سزد گفتی و کردی غم جان من بیچاره خوردی

*** قافیه در کدام بیت، نادرست است؟ (سراسری 98)**

1) من کیم آن را که شرح آن دهم ور دهم آن شرح، خط بر جان نهم

2) چون بدیدش یاد آورد آن خویش بی طمع شد ز اشتر آن یار و خویش

3) مر مرا اینجا شکایت شکر شد کفر ایمان گشت و ایمان کفر شد

4) می نماید مار اندر چشم مال هر دو چشم خویش را نیکو بمال

*** در کدام بیت قافیه غلط است؟ (فا 98)**

1) پس این پیر از آن طفل نادان ترست که از بهر مردم به طاعت درست

2) مرا چون خلیل آتشی در دل است که پنداری این شعله بر من گل است

3) سر از کوی صورت به معنی کشید قلم بر سر حرف دعوی کشید

4) به نزدیک من شبرو راهزن به از فاسق پارسا پیرهن

*** در همه گزینه ها بجز گزینه شعر دارای ردیف است؟ (کانون 98)**

1) تا داد باغ را سمن و گل به نو نوا بلبل همی سرایید بر گل به نو نوا

2) شاه فلک بین به صبح پرده برانداخته پیر خرد بین به می خرقه درانداخته

3) از وبای زرق و محرومی برآ در جهان حی و قیومی درآ

4) از جنون این عالم بیگانه را گم کرده ام آسمان سیرم، زمین خانه را گم کرده ام

*** قاعده قافیه درونی کدام بیت متفاوت است؟ (کانون 99)**

1) ای آفتاب جان و دل ای آفتاب از تو خجل آخر بین کاین آب و گل چون بست گرد جان ما

2) شد خاها گلزارها از عشق رویت بارها تا صد هزار اقرارها افکند در ایمان ما



(3) گوهر کتی خرمهره را زهره بدری زهره را سلطان کتی بی بهره را شایاش ای سلطان ما

(4) ای چشم جان را توتیا آخر کجا رفتی بیا تا آب رحمت بر زند از صحن آتشدان ما

***الگوی هجایی حروف قافیه در همه کزینه ها بجز کزینه..... یکسان است؟ (کانون 96)**

(1) مرا به رندی و عشق آن فضول عیب کند که اعتراض بر اسرار علم غیب کند

(2) بعد از این دست من و دامن آن سرو بلند که به بالای چمان از بن و بیخم بر کند

(3) ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد دل رمیده ما را انیس و مونس شد

(4) عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت

***الگوی حروف اصلی قافیه کدام بیت به صورت «مصوت + دو صامت» است؟ (کانون 99)**

(1) ورنه برفانی قسم گفتن خطاست / خود فنا چه لایق گفت خداست

(2) سرانجام ترکان به تیرش زتند / تن پیلوارش به خاک افکنند

(3) در زمین مردمان خانه مکن / کار خود کن کار بیگانه مکن

(4) جنس ها با جنس ها آمیخته / زین تجانس زینتی انگیخته

*** قافیه در کدام بیت صحیح است؟ (کانون 99)**

(1) گفت کل عمرت ای نحوی فناست / زآن که کشتی غرق این گرداب هاست

(2) گربه تازی گوید او ور پارسی / گوش وهوشی کو که در فهمش رسی

(3) صورت صدقش از دریچه فضل / دیده فاروق رابه علم وبه عدل

(4) بنگر این کشتی خلقان غرق عشق / ازهایی گشت گویی خلق عشق